

زمانیکه در دانشگاه ملی ایران تحصیل می‌کردم درسی داشتیم به نام (تاریخ روابط سیاسی ایران) که استاد این درس آقای دکتر فتح‌الله جلالی بودند ایشان در مدت دو ترم که

در حدود یک سال می‌شود روابط سیاسی ایران را از دوران هخامنشیان تا عصر پهلوی مورد بحث قرار دادند، در نتیجه سؤالات و بحث‌های علمی تماس اینجانب با ایشان زیاد تر شد بطوریکه علاقه پیدا کردم تا پایان نامه دوره لیسانس خود را برانمایی ایشان تهیه نمایم. پس از تهیه مقدمات و مشورت با ایشان نام

میشد. با تماسهای پی در پی مذاکرات جنبه دوستانه‌ای بخود گرفت و من کم کم اطلاعاتی درباره زندگی تحصیلی و اداری ایشان حاصل نمودم و پس از مذاکره با جناب آقای دکتر وحید نیا مدیر محترم مجله خاطرات

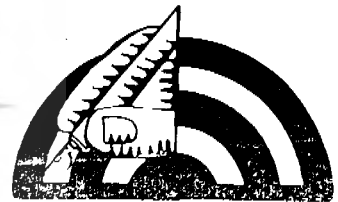
یادداشت‌های آقای دکتر فتح‌الله جلالی

از مهدی فقیهی



وحید و موافقت ایشان به آقای دکتر جلالی پیشنهاد کردم که خاطرات خود را در اختیار مجله وحید بگذارند .

در بدو امر ایشان نظر مساعدی نداشتند چون خاطره نویسی را بصورت معمولش که اغلب نویسندگان خود را محور وقایع وقت دانسته و بیشتر خاطرات را بسود خود تمام می کنند موافق نبودند. پس از مذاکرات لازم با نظر



یادداشت‌های

آقای

دکتر فتح الله

جلالی

لفظی که نسبت به مجله وزین فرهنگی و علمی وحید پیدا نمودند و ملاقاتی که با جناب آقای دکتر وحید نیا دست داد موافقت نمودند که مدتی از وقت خود را جهت تنظیم این یادداشتها در اختیار ما بگذارند . و

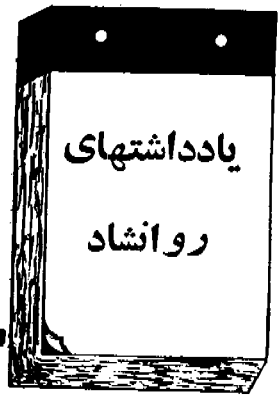
آقای دکتر جلالی از اولین سفرشان به خارج از ایران شروع نمودند. اولین سفر آقای دکتر جلالی در سن ۱۶ سالگی انجام گرفت که برای انجام دوره دبیرستان به آلمان نموده و سپس به ایران برگشتند و آنگاه در اولین هیئت دانشجویان اعزامی به خارج در دوران رضا شاه کبیر انتخاب و به کشور آلمان اعزام گردیدند بدین جهت مطالعات بر روی مسائل اجتماعی و سیاسی کشور آلمان بیش از سایر کشور های اروپائی است .

ایشان پس از مراجعت بایران وارد زندگی اداری و سیاسی شده و خاطرات زیادی از شخصیت‌های اداری و رجال سیاسی و

کسانی که با ایشان تماس حاصل نموده‌اند دارند و این خاطرات را با نظریات خود و اوضاع و احوال وقت توأم نموده و با ذکر حکایاتی شیرین دور نمائی از عصر پهلوی را برای خواننده ترسیم می نمایند .

آقای دکتر جلالی مشغول تهیه و تألیف یادداشت‌هایی در باره عوامل بقاء ملل و علل انحطاط هر یک می باشند که با بررسی های تاریخی و تجزیه و تحلیلی که در این زمینه نموده همراه با مشاهداتی که خود در طول نیم قرن از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپائی دارند تصور میرود منبع عظیمی جهت بررسی برای پژوهندگان مسائل اجتماعی و سیاسی بشمار رود که امید است بزودی بزیر و طبع آراسته گردد و در اختیار دانش پژوهان قرار گیرد .

در شماره آینده یادداشت های آقای دکتر جلالی چاپ خواهد شد .



یادداشت‌های

روانشاد

وقایع متفرقه و قرار

از او اواخر محرم ۱۳۳۰ تا چند روزی از ماه صفر گذشته چندان واقعه مهمی رخ نداد . فقط از سالارالدوله حرکتی شده بعد از آنکه کرمانشاه را اعظم الدوله از طرف تهران مأمور گشت و بخیال تصرف آنجا افتاد و با فرخ خان ایلخانی که از طرف سالارالدوله در آنجا حکومت میکرد جنگ نمود و تا حدی موفقیت حاصل کرد در ثانی فرخ خان بر اعظم الدوله غلبه کرد و سالارالدوله در طرحان بطرف کرمانشاه حرکت کرد . اعظم الدوله در قونسولخانه انگلیس پناهنده شد و سالارالدوله با آزادی وارد شهر بحکومت و چپاول پرداخت .

مقارن این حادثه مجلل‌السلطان معروف که از همراهان محمد علی میرزا بود و مأمور کردستان شده وارد کردستان میشود و از طرف شاه مخلوع مردم را دعوت میکند که با او همراهی نموده لشکری حاضر کنند که از کردستان بگروس و از آنجا بزنجان حرکت کنند . اهالی کردستان با او موافقت نمیکنند و میخواهند او را دستگیر نمایند از آنجا فراراً بکرمانشاه وارد میشود .

در این اوقات دو نقطه از ایران قابل توجه و خالی از اهمیت نیست که در هر دو محل باطناً تحریکاتی از طرف مرتجعین شده آثار انقلاب در آنجاها ظاهر است . یکی زنجان و دیگری خراسان که بعداً شرح هر دو خواهد آمد .

قرارداد دولتین راجع به محمدعلی میرزا

در این ایام صحبت میشود که يك یادداشتی از طرف دولتین روس و انگلیس با ایران داده خواهد شد و نیز گفتند که دستور

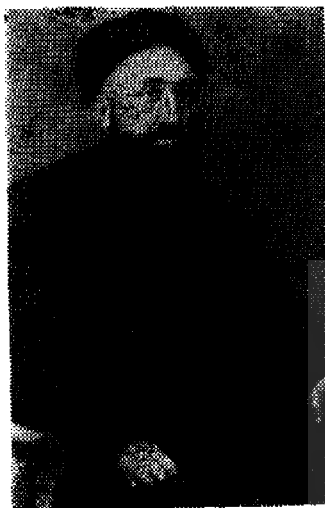
سید

علیمحمد

دولت

آبادی

داد محمد علی میرزا



آن یادداشت برای سفارت انگلیس آمده است ولی برای سفارت روس هنوز نیامده است .

و مردم بلکه دولت ایران انتظار وصول آن نت را داشته میخواستند بدانند که توقعات دولتمن چیست! و نقشه حکومت ایران از چه قرار است! چون در جراید اروپا انتشار داشت که دولتمن متعاهدین يك پروگرامی برای ایران ترتیب داده خط حرکت حکومت ایران را در آن پروگرام معین خواهند نمود و در ضمن شاید معاهده ۱۹۰۷ را میخواستند که دولت ایران بشناسد و هم چنین راه آهن را هم بخواهند که کارش را ختم کنند . برای شاه مخلوع و اتباع او هم قراری خواهند گذازد این حرفی بود که از دولت روس و انگلیس و پروگرام آنها از جراید خارجه در ایران منتشر شده بود . تا اینکه يك خبر دیگری انتشار یافت . که آن پروگرام و یادداشت که برای دولت انگلیس آمده در تانی عودت دادند و منتظر دستور مجدد خواهند شد . اما در يك مطلب با دولت ایران مشغول مذاکره شده و بخت و فصل آن کوشیدند و آن قضیه محمد علی میرزا بود . دولتمن پیشنهادی برای محمد علی میرزا کرده بودند این بود که يك شهریه و قراردادی برای او بدهند و او از ایران برود و دست از تاج و تخت برداشته بطور دائمی اخراج گردد . و ایسن قرارداد روی اصرار دولت انگلیس بود که تقاضای روس در این مورد قبول نشده و آنها جدیت کردند که باید حتماً محمد علی میرزا از ایران خارج شود و اگر بر تخت سلطنت هم جلوس کند ما او را برسمیت نخواهیم شناخت .

مجله وحید (خاطرات)

یادداشت‌های

روانشاد

دولت روس برخلاف این عقیده موافق با آمدن محمد - علی میرزا به طهران و رسیدن به مقام سلطنت و خیلی هم در این باره اقدام نمود . اما دولت انگلیس موافقت نکرد و گفت چون یساعی گری محمد علی میرزا مشهود است لذا انگلیس راضی نخواهد شد که مجدداً مالک تاج و تخت ایران شود .

نهایت نظر بدوستی و یگانگی که محمد علی میرزا با دولت روسیه داشت می‌خواستند که موافق میل و رضایت دولت روسیه برضایت از ایران برود . و بدین واسطه صورت قراردادی برای او ترتیب داده چند چیز ازدولت ایران خواستند که عمده آنها دادن حقوق و آزادی اتباع او بود .

در اواسط ماه صفر ۱۳۳۰ هجری قمری معاهده آنها تمام شد و قرار گذاشتند که پنجاه هزار تومان باو حقوق بدهند و دوازده هزار تومان هم به سالارالدوله داده شود ، ماهی پانصد تومان هم به کسان او که درتهرانند پانصد تومان هم بخودش در فرنگ داده شود . املاک شعاع السلطنه هم که ضبط دولت شده بود به او رد کنند و آزاد باشد که بیاید به ایران یا بفرنگ برود . دولت ایران هم ضمن قرارداد تقاضا کرد دولتین هم اطمینان بدهند که بعد از این از طرف محمد علی میرزا و اتباع او اقدام برخلاف دولت ایران نشود .

در این وقت دولتین داخل مذاکره اصلاح با محمد علی

میرزا بودند .

اتباع محمد علی بدین شرح در مملکت مداخله مینمودند : آذربایجان - شجاع الدوله صمد خان حکومت میکرد که شرح آن سابقاً بعد از تصرفات روسها نوشته شده است و مستقلاً حکومت نموده خود را هم تابع مرکز نمیدانست . در جواب مر نارد کفیل خزانه داری و پیشکار مالیه هم تلگراف کرد که من بقیه در صفحه ۱۰۰

سید علیمحمد دولت آبادی